

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۵ جولای ۲۰۲۱

از مبارزات بحق و عادلانه مردم عرب الاهواز حمایت کنیم!

پنجشنبه شب ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۱ در کلاب هاوس بحثی تحت عنوان «خیزش آب مشکلات و مطالبات مردم الاهواز (خوزستان) برگزار شد. آقای یوسف بنی طرف عزیزی و من سخنران کلاب هاوس «جامعه آزاد و دموکراتیک» بودیم. رفیق فرشته محمدی با همکاران شان رفقا جهان بخش و سامان و محسن این جلسه را مدیریت می کردند. در این جلسه رفقا و دوستان زیادی شرکت داشتند و بحث های خود را ارائه دادند و از سخنرانان سؤال کردند.



جوانانی که نیروهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی آن ها به قتل رساندند

چکیده سه دور بحث من این بود که اعتراض به بحران آب در استان خوزستان از پنجشنبه ۲۴ تیرماه آغاز شد و تاکنون، به بیش از ۳۰ شهر در سه استان ایران گسترش یافته است. اعتراض ها در هشتمین شب پیاپی، در شامگاه پنجشنبه ۳۱ تیرماه در شهرهائی همچون بوشهر، ماهشهر، بهبهان، ایذه، اهواز و دیگر شهرهای استان خوزستان ادامه یافت. در ادامه اعتراض ها به سرکوب مردم خوزستان، در برخی دیگر از شهرها نیز مردم اقدام به برپائی تجمع هائی کردند که فرهنگیان استان کرمانشاه و کارگران هفت تپه از آن جمله بودند.

در شهرهائی همچون الیگودرز در استان لرستان و شاهین شهر در استان اصفهان نیز تظاهراتی در حمایت از مردم خوزستان شکل گرفت اما نیروهای امنیتی به سوی معترضان شلیک کردند. ویدیوهای منتشر شده در رسانه های اجتماعی نشان می دهد شامگاه پنجشنبه در الیگودرز، یک نفر کشته و تعدادی زخمی شده اند. فضای امنیتی و خشونت علیه معترضان در ایذه نیز ادامه یافت و تصاویری که شاهدان محلی از این شهر منتشر کرده اند حاکی از آن است که پاسخ نیروهای امنیتی به مردم معترض شلیک های پی در پی گلوله بوده است.

همزمان با شدت گرفتن اعتراض‌ها در خوزستان و گسترش آن به دیگر شهرهای ایران، مقام‌های امنیتی اعلام کرده‌اند که با معترضان برخورد خواهد شد. فرماندار بهبهان معترضان به بی‌آبی را «هنجارشکن» خواند و دادستان اهواز آن‌ها را «اغتشاشگر، مزدور بیگانه، منافق و تجزیه‌طلب» نامید و تهدید کرد که با برخورد «شدید» رویرو خواهند شد. تاکنون، قشرهای گوناگون مردم، گروه‌های فرهنگی و هنری و چهره‌های زیادی سرکوب معترضان و شلیک گلوله به سوی آن‌ها را محکوم کردند و روز پنجشنبه نیز این واکنش‌ها همچنان ادامه یافت.

اعتراضات مردم این منطقه تنها به بی‌آبی نیست، بلکه ۲۲ سال خواسته‌ها و مطالبات مردم این منطقه و سایر نقاط ایران روی هم انباشته شده‌اند و اکنون مانند آتشفانی به بیرون فوران کرده‌اند. هرچند آب یک عنصر مهم حیاتی در زندگی بشر و همه موجودات زنده و طبیعت است. بنابراین ترورهای جمهوری اسلامی ایران تنها به ترور مخالفین محدود نمی‌گردد بلکه این حکومت جانی طبیعت را نیز مورد آماج سلسله ترورهای خود قرار داده است. به قول مارکس انسان در طرف و طبیعت در طرف دیگر قرار دارد از این رو بنه هرکدام از این دو طرف اسبایی برسد آن دیگر را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین بی‌جهت نیست که اکنون جنبش محطی زیست در ایران یک جنبش اجتماعی است. اکنون جمهوری اسلامی نیز از این جنبش مانند جنبش کارگری جنبش زنان جنبش دانشجویی و جنبش‌های مردم تحت ستم سراسر ایران وحشت دارد. به همین دلیل چند سال است که تعدادی از فعالین این جنبش در اسارت اطلاعات سپاه است و حتی دکتر کاووسی کارشناس محیط زیست را در زندان کشتند. سال گذشته سن تن از فعالین محیط زیست را در آتش‌سوزی جنگال‌های مریوان سوزاندند. اخیراً نیز سربازان گمنام امام زمان اتوبوس روزنامه‌نگاران محیط زیست را که راهی دریاچه ارومیه بودند به دره انداختند که دو نفر از آنان جان باختند و تعدادی نیز زخمی شدند.

به این ترتیب جمهوری اسلامی نه تنها جامعه ایران را به ویرانه و جولانگاه ترور و وحشت و اعدام خود قرار داده است بلکه حتی بخشی از خاورمیانه را نیز به جولانگاه تروریست‌های اسلامی خود تبدیل کرده است.

در حاکمیت جمهوری اسلامی حتی اعتراض و تظاهرات ساده صنفی و مسالمت‌آمیز که در ایران رخ می‌دهد، بلافاصله رنگ سیاسی به خود می‌گیرد چرا که جمهوری اسلامی نه تنها به هیچ‌گونه خواست و مطالبه برحق مردمی گردن نمی‌گذارد بلکه بلافاصله نیروهای آدمکش خود را برای کشتار معترضین با توپ و تانک و دوشکا و غیره کسپل می‌دارد.

تظاهرکنندگان در شهرهای این استان، از جمله در سوسنگرد، ماهشهر، آبادان، اهواز، شوش، ایذه، مسجد سلیمان و ... با مطالباتی فراتر از مشکل بی‌آبی به خیابان‌ها آمدند. در بسیاری از ویدئوهایی که با وجود اختلال و یا قطع شبکه اینترنت و تلفن دستی، انتشار یافته شعارهایی در نفی کلیت جمهوری اسلامی و رهبر مستبد آن چون «توپ، تانک، فشفشه، خامنه‌ای گم بشه»، «مرگ بر خامنه‌ای»، «جمهوری اسلامی، نمی‌خوایم، نمی‌خوایم»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» و ... سر داده‌اند.

در هشتمین شب اعتراضات، مردم علاوه بر شهرهای خوزستان در چندین شهر دیگر استان‌های کشور نیز به خیابان‌ها آمده و ضمن اعلام همبستگی با مبارزات مردم خوزستان، علیه حکومت تظاهرات کردند. در بسیاری از این اعتراضات، معترضین با نیروهای امنیتی حکومت درگیر شدند. در خوزستان و برخی از شهرهای دیگر دسترسی به اینترنت و انتشار تصاویر اعتراضات در شبکه‌های اجتماعی دشوار شده است.

شب هشتم گزارش شده است تاکنون بیش از ۳۵۰ نفر از معترضین در شهرهای مختلف خوزستان از جمله رامشیر (خلفیه)، سوسنگرد (خفاجیه)، خرمشهر (محمده)، حمیدیه و شاور بازداشت شده‌اند.

تعداد مجروح‌شدگان طبق داده‌های جمع‌آوری‌شده ۱۲۰ نفر تخمین زده شده است. بسیاری از مجروحین برای جلوگیری از بازداشت به محیط‌های درمانی مراجعه نمی‌کنند و نمی‌توان آن‌ها را در آمار فوق وارد کرد.

اعتراض‌ها به شهرهای مختلف نیز به مناطق شرقی‌تر این استان سرایت کرده و اعتراضات شدید در شهرهای ایذه، بهبهان، دزفول و سوسنگرد رنگی سیاسی به خود گرفته است.

بر اساس اطلاعات و ویدئوهایی که کاربران چهارشنبه شب منتشر کرده‌اند، گردهمایی‌ها و اعتراضات در حمایت از مردم خوزستان در کرج، یزدانشهر اصفهان، تهران و ... برگزار کرده‌اند.

این اعتراض در بستر اعتراض‌هایی شکل گرفته که اخیراً قطعی مداوم آب و برق در ایران همزمان با گرم‌شدن هوا، موجب اعتراض‌های پراکنده‌ای در نقاط مختلف ایران شد اما در استان خوزستان اعتراضات گسترش یافت و همچنان ادامه دارد.

بیش از یک ماه از اعتصاب کارگران پروژه‌ای پیمانی نفت می‌گذرد و دامنه آن به ۱۱۴ مرکز نفتی در ۱۵ استان کشیده شده است. همراه با اعتصاب از سوی کارگران پروژه ای اعتصابی شکلی از اعتراض به صورت برپایی مجمع عمومی و اعلام ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواست‌ها در مناطق مختلفی چون لردگان، روستای پیان در ایذه، آبادان، خرمشهر، اصفهان، سپیدانه، چغاخور، فارسان، فولادشهر، آلیکوه، اولاد حاج علی در تنگ گندمکار، ایذه، پروژه نفتی مهران در جهانپارس و هفشجان برگزار شده و عملاً این اعتصاب با تصمیم‌گیری جمعی هدایت می‌شود. اعتصابیون ۴ خواست فوری دارند:

۱- افزایش دو برابری دستمزدها در همه سطوح مزدی به گونه‌ای که حداقل دستمزد هیچ کارگری کمتر از ۱۲ میلیون تومان نباشد. ... باید دستمزدهای معوقه ... نیز فوراً پرداخت شود.

۲- باید خواست بیست روز کار و ده روز مرخصی از همان روز اول اجرائی شود.

۳- باید وضع کمپ‌ها بهبود جدی یابد، غذاخوری‌های مناسب و در شان کارگران ایجاد شود و محیط‌های کار ایمن شوند. از همین رو پیمان‌کاران باید بطور مشخص اعلام کنند که چه اقداماتی در این رابطه انجام می‌دهند

۴- باید توافقات به صورت کتبی و رسمی صورت گیرد. و دولت موظف به پیگیری اجرای آن توسط پیمانکاران گردد. بی‌تردید فعالین این اعتراض‌ها تلاش می‌کنند مبارزات خود را هماهنگ و سراسری کنند. چرا که آن‌ها می‌دانند با اعتراض‌ها و اعتصاب‌های پراکنده نمی‌توان حکومت جانی و تا دندان مسلح را به عقب‌نشینی وادار کرد به همین دلیل ضروری است که مبارزات پراکنده که مانند جویباری هستند به همدیگر وصل شوند یک سیل خروشان راه می‌افتد که هیچ نیروی توان مقابله با آن را ندارد.

هنوز تعداد جان‌باخته‌های اعتراض‌ها خوزستان مشخص نیست اما تاکنون دست‌کم نام ۹ شهروند معترض که به دست نیروهای امنیت کشته شده‌اند، اعلام شده عبارتند از: میثم چرش، فرزاد قریسات(الفریسای)، محمدعباس الکنانی، محمد عبدالحی، محمد کروشات، مصطفی منیعاوی، قاسم خضیری، هادی بهمنی و «امید آذرخوش» (در الیگودرز) و ...

مقام‌های جمهوری اسلامی نه تنها اسامی کشته‌شدگان را اعلام نمی‌کنند بلکه اگر خبری هم از کشته شدن معترضی به رسانه‌ها کشیده می‌شوند بی‌شرمانه اعلام می‌کنند که این افراد به دست افراد ناشناس کشته شده‌اند نه توسط نیروهای امنیتی. اما این ترفندهای حکومت را هیچ شهروندی قبول نمی‌کند و به همین دلیل انگشت اتهام به سوی سران جمهوری اسلامی و در راس همه خامنه‌ای گرفته می‌شوند که فرمان کشتار معترضین را صادر می‌کنند. به خصوص صدها شاهد

وجود دارد که با چشمان خود دیده‌اند مارموبین حکومتی مستقیماً و به قصد کشت به بغل دستی آن‌ها شلیک کرده به قتل رسانده‌اند.

در یکی دیگر از فیلم‌های اعتراضات که به تازگی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، صدای جوانی به گوش می‌رسد که در گوشه‌ای پناه گرفته و از نیروهای سرکوبگر حکومت می‌خواهد به سوی او شلیک نکنند. او خطاب به مأموران مسلح حکومت تبه‌کار می‌گوید: «من ۲۲ سالمه و بیکارم. من حق را می‌خواهم، به من تیر نزن.»

هادی بهمنی ۱۷ ساله سه‌شنبه شب ۲۹ تیرماه ۱۴۰۰ در جریان اعتراض‌های شهر ایزه کشته شد. هادی اهل روستای «سوسن» از توابع شهرستان ایزه بود و برای کارگری به ایزه آمده بود.

پسر کارگرم را با دو گلوله کشتند. در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است که مردی روبروی اورژانس «سردار شهید المهدی آلبوغبیش» در بیمارستان ولیعصر خرمشهر ایستاده است و یونیفرم کاری که لکه خونی بر آن دیده می‌شود را به دست گرفته است. او می‌گوید که فرزندش محمد بار از شلمچه می‌آورد، وقتی از تریلی پیاده شد به او دو گلوله خورد یکی به پشت و یکی به گردنش. شخصی هم که فیلم‌برداری می‌کند می‌گوید این‌جا بیمارستان است و صدای تیراندازی شنیده می‌شود.

با این وجود سران و مقامات جمهوری اسلامی از یک سو فرمان حمله به نیروهای آدمکش خود می‌دهند و از سوی دیگر انکار می‌کنند که آن‌ها معترضین را کشته‌اند.

مجتبی یوسفی نماینده مجلس شورای اسلامی از خوزستان اقرار کرده است که پروژه‌هایی بناست غیرکارشناسی و محرمانه به عنوان انتقال آب انجام شود باید به مظان قضاوت صاحب‌نظران و کارشناسان و مردم گذاشته شود.

او گفته گریه‌آور است که با وجود ۵ سد بزرگ، ۷۰۰ روستا و ۲۵ شهر استان تنش آبی داشته باشند. خوزستان در سال ۹۸ شاهد سیل خودساخته وزارت نیرو بود، چرا که به گفته او می‌خواستند بگویند خوزستان منابع آب مازاد دارد و آن را انتقال بدهند. از ایسنا

این استان جنوبی کشور، پرآب‌ترین و حاصل‌خیزترین استان ایران بود که مدت‌هاست بی‌آب شده و زندگی و معاش مردم به خطر افتاده است. رود کارون که بزرگ‌ترین، پرآب‌ترین و طولانی‌ترین رود ایران است، در استان خوزستان قرار دارد. رودهای دز، کرخه، جراحی، شاور، زهره، اروند رود، هندیجان، بالارود و بهمنشیر از رودهای این استان وسیع هستند. با چنین فراوانی تعداد رودخانه‌های خوزستان، این سؤال برای همه پیش آمده که مدیران چگونه توانسته‌اند پر آب‌ترین استان ایران را خشک کنند.

یکی از دلایل خشک‌سالی خوزستان، ساخت بی‌رویه و غیرعلمی و کارشناسی سد در ایران بوده است. بیش از ۱۲ سد در خوزستان ساخته شده است؛ سدهای کارون، سدهای مارون، مسجد سلیمان، گتوند، دز، کرخه، بالارود و جره از مهم‌ترین سدهایی هستند که خشک‌سالی در این استان را رقم زده‌اند. سد گتوند بزرگ‌ترین سد ساخته شده روی کارون است که باعث خشک شدن رودها و انتقال آب شور به پائین دست شده است.

در سوی دیگر بنا بود تالاب هورالعظیم ۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون مترمکعب آبگیری شود. اما مسیر ۹۵ کیلومتری سد کرخه تالاب هورالعظیم آن‌قدر زیاد بود که بخش عمده آب هدر رفته است. خشک شدن هورالعظیم باعث از بین رفتن نخل‌ها، ماهیان و دام مردم در این مناطق شده است.

میزان نمکی که به دلیل ایجاد سد وارد کارون شد ۱۰ برابر شوری آب اقیانوس است. نمک اقیانوس ۲۸ گرم در لیتر و سد گتوند ۳۰۰ گرم در لیتر تخمین زده می‌شود.

بینابراین جنایت جمهوری اسلامی در انتقال آب از خوزستان نیز از دلایل دیگر خشکسالی این استان است. هر ساله ۱ میلیارد و ۲۸۴ میلیون مترمکعب آب از خوزستان منتقل می‌شود و به استان‌های یزد و اصفهان برده می‌شود. استخراج نفت، معضل دیگری برای این منطقه شده است. وزارت نفت برای استخراج نفت، هور را خشک کرد، آن‌هم به قیمت از دست رفتن زمین، دام و شغل مردم. مردم خوزستان تا دو دهه قبل یا کشاورزی یا دامداری یا صیادی می‌کردند، اما وزارت نفت در دشت آزادگان و هویزه و سایر شهرستان‌ها، به روش‌های غیراصولی و به جای سکوگذاری، اقدام به خروج نفت کرد.

تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که هور در بخش عراقی، بسیار پرآب است و این خود نشانی دیگر بر سوءمدیریت ایران در منابع آبی است.

سد گُتوند، یکی از بزرگترین سدهای ایران بر روی رودخانه کارون است. این سد در فاصله ۳۸۰ کیلومتری از ریزشگاه رودخانه کارون، در فاصله ۲۵ کیلومتری شوشتر و در ۱۰ کیلومتری گتوند در استان خوزستان قرار دارد. به علاوه هرچند خشکسالی یک واقعیت است اما فجایی که مانند خشک شدن دریاچه ارومیه منجر شده است خشکسالی نیست چرا که اگر خشک سالی بود چرا یک قطعه از آب دریاچه وان ترکیه که نزدیک دریاچه ارومیه یک قطره هم کم نشده است. این نمونه به روشنی نشان می‌دهد که عوامل همه فجایع زیست محیطی و بی‌آبی در ایران مستقیماً جمهوری اسلامی و نهادهای مافیائی و تبهکار آن مانند سپاه پاسداران است.

در چنین شرایطی حمایت از اعتراض و خیزش مردم الاهواز، روزبرو در حال گسترش است. برخی از تشکل‌های مستقل از جمله روز چهارشنبه، ۳۰ تیر، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، جمعی از فعالان صنفی معلمان و فعالان مدنی، سازمان معلمان ایران، سندیکای شرکت واحد و گروه اتحاد بازنشستگان در بیانیه‌های جداگانه‌ای همچنین از «هموطنان ستمدیده و جان‌به‌لب‌رسیده» خود اعلام حمایت کردند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در بیانیه خود آورده‌اند که «عوامل انتظامی و امنیتی برای متفرق کردن معترضین با شلیک گاز اشک‌آور و تیراندازی به‌سوی مردم بی‌دفاع، این تظاهرات مسالمت‌آمیز را که در اعتراض به بی‌آبی بوده به خشونت کشاندند.»

معترضان خوزستانی از سوی برخی از ورزشکاران و هنرمندان ساکن ایران نیز مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

در بیانیه شورای بازنشستگان ایران در حمایت از مردم خوزستان آمده است:

«بسیاری از مناطق خوزستان محروم و بدون برخورداری از امکانات حداقل شهری اند. محل سکونت بسیاری از خانوارهای کارگران شاغل در پیمانکاری‌های پتروشیمی و صنایع منطقه ویژه در سربندر و جراحی و ماهشهر و شهرک‌های اطراف آن، بیغوله‌ای بیش نیست. شبیه همان مناطقی که در «آبان» خونین نیز به قتلگاه مردم معترض تبدیل شد و شبیه نیزارهایی که با کشتار جوانان پرپر شده به خون نشست.

در کنار این بخش از مردم، کشاورزان و دامداران جزء وجود دارند که زندگی‌شان به چند گاو و گاو میش و یا کشاورزی ابتدائی محدود می‌شود. واضح است که این نوع زندگی همواره با فقر و محرومیت غیر قابل تصویری عجین است.»

کانون نویسندگان ایران اعلام کرده است مردم خوزستان که از بی‌آبی جان به لب‌شان رسیده، برای تأمین ضروری‌ترین نیاز زندگی خود، آب، به تظاهرات خیابانی روی آورده‌اند و به جای آب، گلوله و گاز اشک‌آور می‌گیرند.

بیانیه کانون نویسندگان ایران می‌گوید که «خشکسالی و بی‌آبی امروز منطقه‌ای که در سالیانی نه‌چندان دور بخش عمده‌ای از محصولات کشاورزی کشور را تولید و تأمین می‌کرد، پیامد سیاست‌های غارتگرانه و مردم‌ستیزانه‌ای است که در سه چهار دهه گذشته به اجرا در آمده است.»

کانون نویسندگان توضیح داده است، «مردمی که در بخشی از سال به علت پدیده ریزگردها از هوای سالم محرومند، مردمی که گاهی در گرمای پنجاه درجه برق ندارند، مردمی که نخلستان‌ها، کشتزارها و دام‌هایشان رو به نابودی است، مردمی که اکنون به آب آشامیدنی دسترسی ندارند، حق دارند به خیابان بیایند و اعتراض کنند.»

بیانیه کانون نویسندگان می‌افزاید، «این مردم از تشکله‌ها، حزب‌ها و رسانه مستقل برای بیان خواسته‌های خود یکسر محرومند. این مردم، خود رسانه‌ی خویش‌آند و هیچ کس حق ندارد پاسخ آن‌ها را با گلوله و گاز اشک آور بدهد، یا برای سهولت سرکوب آنان، اعتراض‌های برحق و مسالمت‌آمیزشان را "بازی کردن در زمین دشمن" بنامد.»

چهره‌های سرشناس جنبش کارگری همچون محمود صالحی و اسماعیل بخش و زندانیان سیاسی مانند سپیده قلیان و... از خیزش مردم خوزستان حمایت کرده‌اند.

در بخش سخنان حضار و سؤال‌ها و جواب‌ها مسایلی متعددی مطرح شد از جمله تجربه‌طلبی، مردم نباید خشونت به خرج دهند، مبارزه مسلحانه، مسأله ملت - دولت و آلترناتیوهای مختلف برای آینده جامعه ایران و... جواب من به این سؤال‌ها:

تجربه‌طلبی:

اولا تا آنجائی که من تعقیب کرده‌ام و اطلاع دارم در هیچ کدام از استان‌های تحت ستم ایران همچون کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان و... تاکنون صدای بلند و رسا و آشکاری مبنی برای که ما می‌خواهیم از جغرافیای ایران جدا شویم شنیده نشده است مگر گروه‌های کوچک و افراد این‌جا و آن‌جا و به صورت پراکنده بحث جدائی را مطرح می‌کنند.

اما تا جائی که استان جنوبی ایران و مناطق عرب‌نشین مربوط است سؤال بزرگ و مهم این است در حالی که مردم این منطقه روی دریای از گاز و نفت نشسته‌اند و دست‌کم حدود یک قرن است که اقتصاد کل جامعه ایران از این تک اقتصادی یعنی اقتصاد نفت تامین می‌شود اما متأسفانه مردم این منطقه روزبه‌روز فقیرتر و بی‌کار و درمانده‌تر شده‌اند. چرا؟

حتی رضا شاه با هدف فارسیزه کردن جامعه ایران علاوه بر ممنوع کردن زبان‌های مادری، اسامی شهرها و رودخانه‌ها و غیره را نیز از زبان محلی به فارسی تغییر داد. سابقا مناطق عرب‌نشین جنوب ایران «عربستان» و یا «الاهواز» نامیده می‌شد. اکنون هرکس به این نام‌ها اشاره کند مارک «تجزیه‌طلبی» می‌خورد.

فراتر از همه هر بار این مردم به کف خیابان‌ها آمده و مطالبات خود را به زبان آورده‌اند با گلوله‌های سربی حکومت‌های پهلوی و جمهوری اسلامی روبه‌رو شده‌اند. حکومت‌های ایران در یک قرن اخیر هم نفت و گاز مردم این منطقه را غارت کرده‌اند و همه به این مردم ستم‌دیده زور گفته‌اند. در چنین روندی اگر هم آن‌ها قصد جدائی داشته باشند حق طبیعی‌شان است. برای مثال کسی طلاق را تبلیغ نمی‌کند اما قانون طلاق را محلی پیش پای زن و شوهرها گذاشته که اگر آن‌ها نمی‌توانند زیر یک سقف زندگی کنند به جای این که همدیگر را آزار دهند جدا شوند. اکنون برای مردمانی که در یک قرن از حکومت‌ها غیر از زور و قلدری و سرکوب چیز دیگری ندیده‌اند چه باید بکنند؟

عدم خشونت و مبارزه مسلحانه:

به نظر کسانی که بحث عدم خشونت را پیش می‌کشند و به مردم توصیه می‌کنند دست به خشونت نزد یا جمهوری اسلامی و سابقه ۲۲ ساله وحشی‌گری و آدم‌کشی و تروریستی آن را نمی‌شاسند و یا قصد دیگری دارند. گفتن این که از مبارزه مردم خوزستان حمایت می‌کنیم اما... از این اما بحث و حدیث‌های دیگری درمی‌آید که به نفع مردم نیست. برای

مثال رضا پهلوی از خیزش مردم خوزستان حمایت کرده اما گفته مردم خشونت به خرج ندهند. اگر کمی در این باره تعمق کنیم هدف رضا پهلوی مقدس دانستن جایگاه دولت-ملت است. یعنی به عقیده ایشان در هر صورت ملت باید از دولت تبعیت کند. اگر غیر باشد او مجبور می‌شود جنایت‌های حکومت‌های پدرش و پدر بزرگش را نیز محکوم کند.

به علاوه در مقابل حکومتی که بیش از ۴۲ سال آدم می‌کشد و به هیچ خواست و مطالبه مردم اهمیتی نمی‌دهد و تنها به نیروی قهری و نظامی و کشتار و زندان متوسل می‌شود واقعا چه باید کرد؟ آیا شما تاکنون نمونه‌ای در جهان داریم که دیکتاتور‌ها به درخواست مردم به ساده‌گی از حاکمیت کنارگیری کنند؟ آیا در تاریخ دیده و شنیده‌اید که حکومت‌های مستبد و دیکتاتور با مدل‌های رنگارنگ ملی و مذهبی و نظامی و حتی لیبرال، خیزش‌ها و قیام‌ها و انقلاب‌های مردمی سرکوب و مردم معترض را در خیابان‌ها و زندان‌ها نکشد؟ آیا می‌شود سبد گلی گرفت و به بارگاه خامنه‌ای رفت و گفت آقا این همه کشتار و خونریزی و چپاول و ثروت‌اندوزی بس است لطفا کنار بروید تا سیستم سیاسی دیگری جای شما را بگیرد آیا چنین پیشنهاد متمدنانه را می‌پذیرد یا همان‌جا پیشنهاددهندگان را قتل‌عام می‌کند؟

در چنین وضعیتی مردم حق دارند برای دفاع از خود به هر کاری دست بزنند از جمله دست به اسلحه ببرند. مبارزه مسلحانه محصول و نتیجه طبیعی حکومت‌های آدم‌کش است که نهایتا مردم را مجبور می‌کنند برای مقابله با آدم‌کشان حکومتی و رسیدن به حق و حقوق خود دست به اسلحه ببرند. اساسا مبارزه مسلحانه برای جلوگیری از خشونت و کشتار دولتی و سرنگونی آن راه می‌افتد. ما زمان شاه و در مقطع انقلاب ۵۷، پس از کشتار ۱۷ شهریور بود که مردم دست به اسلحه بردند. اتفاقا قبل از همه جای کشور در تهران سنگربندی کردند و با حمله با پاسگاه‌های پولیس و پادگان‌ها مسلح شدند. اکنون نیز این اتفاق دیر و یا زود راه خواهد افتاد.

در رابطه با بحث ملت-دولت نیز نظریه‌های مختلفی مطرح شد. اساس دو نظر در مقابل هم بود: دولت‌گرایی و جامعه‌گرایی. جواب من این بود که دولت-ملت‌ها در مبارزه با فئودالیسم شکل گرفتند اگر در آن زمان هر چی بودند امروز به بن‌بست رسیده‌اند. برای مثال حدود ۳۰ سال است که ما شاهد تاسیس دولت کردی در اقلیم کردستان عراق هستیم. شاهد ابتدالی از دولت-ملت. اولا کردستان بین دو قبیله «بارزانی» و «طالبانی» تقسیم شده است و در حاکمیت آن‌ها زن کشی و بیکاری و فقر بسیار گسترش یافته است. بارزانی در کشتار مردم کرد روژآوا و ترکیه و پ.ک.ک با دولت ترکیه هم‌دست است. جریان طالبانی نیز با جمهوری اسلامی ایران همکاری نزدیکی دارد. گفته می‌شود جمهوری اسلامی در سلیمانیه حدود ۹۰ خانه امنیتی مخفی دارد. آن‌ها در این منطقه به راحتی مخالفین را ترور می‌کنند و یا ربوده به ایران می‌برند.

به علاوه اکنون جمهوری اسلامی دولت کدام ملت است و اردوغان و غیره هم همین‌طور؟

ما بیش از نه سال است که با یک مدل سیاسی در خاورمیانه سیاه روبه‌رو هستیم. روژآوا (کردستان سوریه) یک تجربه نه ساله به ما داده است. اگر ما این تجربه را درست و علمی تجزیه و تحلیل کنیم به این نتیجه می‌رسیم که در این منطقه خودگرانی شورائی و یا کنفدرالیسم دموکراتیک به نفع همه مردم این منطقه همچون کردها، آسوری‌ها، عرب‌ها، چچن‌ها، ترکمن‌ها بوده است. مردم این منطقه با آن که ملیت‌های مختلف و باورهای سیاسی و مذهبی متفاوت دارند اما متحدانه و دوستانه در کنار هم زندگی می‌کنند و روابط مسالمت‌آمیزی با همدیگر برقرار کرده‌اند. هر شهروند این منطقه احساس می‌کند در همه امور جامعه‌شان دخالت دارد. توجه کنیم داعش وحشی که مرزهای عراق و سوریه را درنوردیده بود و خلافت بزرگ اسلامی تشکیل داده بود اولین بار توسط یگان‌های مدافع خلق زن و مرد کوبانی شکست خورد، سپس رقه پایتخت خودخوانده داعش به دست این نیروهای مردمی سقوط کرد و نهایتا وجود داعش از این منطقه

پاک شد. بنابراین این مدل برای خاورمیانه که ملیت و مذاهب مختلفی در آن زندگی می‌کنند از جمله ایران، بسیار مناسب‌تر است.

البته تاکید کنم که نمی‌توان وضعیت موجود روژاوا را کپی‌برداری کرد و به همان شکل آن را در ایران پیاده نمود. ایران کشور بزرگی است که سرمایه‌داری در آن غالب شده و طبقات در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند. اما هنگامی که بحث از اداره شورائی جامعه می‌کنیم این بحث برای جامعه ما ایران، به هیچ‌وجه غریبه نیست و ریشه تاریخی دارد. دست‌کم در مقطع انقلاب ۵۷ و پس از آن شوراها در همه جای ایران تاسیس شدند. به خصوص چند سالی‌ست که یکی از نمایندگان جوان و جسور هزاران کارگر شرکت هفت‌تپه بر مدیریت شورائی تاکید می‌ورزد. بنابراین، اگر شیوه مدیریت دموکراتیک و دموکراسی مستقیم روژاوا را در کنار تجربیات جامعه ایران قرار دهیم یک مدلی سیاسی بزرگ و کارساز و امکان‌پذیر از آن حاصل می‌شود. مدلی که از فروپاشی احتمالی جامعه ایران جلوگیری می‌کند و همه خلق‌های تحت ستم بدون در نظر گرفتن ملیت و جنسیت و باورهای سیاسی و مذهبی در کنار هم از حقوق یکسان و برابر و آزاد و عادلانه‌ای برخوردار می‌گردند و متحدانه با زمینه‌های قوی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، گذار به یک جامعه نوین بدون تبعیض و ستم و استثمار را فراهم می‌آورند.

اما باید تاکید کنیم که اگر جنبش‌های اجتماعی ما مانند جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش زیست محیطی، جنبش‌های خلق‌های تحت ستم سراسر ایران، جنبش روشنفکری، و همچنین از کمونیست‌ها گرفته تا آنارشیست‌ها و از سندیکالیست‌ها گرفته تا فمینیست‌ها و همه مردم آزاده و عدالت‌جو در یک صف متحد قرار نگیرند و آحاد مردم را به میدان مبارزه علیه کلیت جمهوری اسلامی نکشانند بعید می‌دانم که بتوانیم این حکومت جانی و آدم‌کش را سرنگون کنیم.

شنبه دوم مرداد [اسد] ۱۴۰۰ – بیست و چهارم جولای ۲۰۲۱